

### خودآزمایی درس اول ( زبان ) صفحه ۵ و ۶

- ۱- انسان، زبان و طرز استفاده از آن را بر اساس توانایی بالقوه، به تدریج و به طور طبیعی فرا می گیرد ، بی آن که به درس و مدرسه نیاز داشته باشد
- ۲- زیرا زبان پدیده ای پیچیده و گسترده است و دیگر آن که چون طرز استفاده از زبان را می دانیم ، گمان می کنیم خود آن را می شناسیم ، بنابراین سعی در شناخت زبان را اغلب بیهوده می دانیم
- ۳- ( رایانه ) کیوی ، موبایل ( تلفن همراه ) ، کامپیوتر
- ۴- خیر ، همان طور که به سادگی راه می رویم اما فرایند راه رفتن - چگونگی حفظ تعادل و فرمان های مغز ، را نمی
- ۵- زبان ، نظام، ارتباط، پیام رسانی ، انسان-
- ۶- زبان ، نمود های گوناگونی دارد ، برای هر یک مثالی می آوریم -

نمود شنیداری = به صدای دل نشین پرندگان گوش می دهیم

نمود نوشتاری = نامه می نویسیم

نمود دیداری = فیلم می بینیم

نمود گفتاری = سخنرانی می کنیم

### صفحه ۱۱ و ۱۲ ( خود آزمایی درس دوم )جمله

۱-

نهاد گزاره

علمای بزرگ دائم در لشکرگاه رفت و آمد داشتند

غزالی از برخورد با آن ها بهره ها یافت

نهادجدا ندارد . با بعضی از آن ها مناظره می نمود

نهادجدا ندارد . شاید از بسیاری از آن ها استفاده می کرد

این آشنایی با علمای مختلف نام و آوازه ی او را بلند می کرد

خواجه نظام الملک وی را هرروز بیش تر درخور احترام و نواخت می یافت

.. سعدی وحافظ - ۲

.. شاهنامه -

.. کاوه ی آهنگر -

.. شناسه -

.. نهاد جدا -

- گلستان سعدی ، یکی از آثار بزرگ زبان فارسی است - ۳
- برادر بزرگم ، فریدون ، در رشته ی ادبیات تحصیل می کند -
- مولانا جلال الدین اثر ارزشمند مثنوی معنوی را خلق کرد -
- دانشگاه ، محل تعلیم و تربیت است -
- نهاد ، یکی از دو بخش اصلی جمله است -
- پسر عموی حسن ، مردی فاضل و دانشمند است -

: جمله های نمونه - ۴

( جمله ی (اول

نهاد گزاره

- (عقاب ها بر ستیغ کوه آشیانه می سازند). (ند
- (پرندگان بلند پرواز بر ستیغ کوه آشیانه می سازند). (ند
- (عقاب بر ستیغ کوه آشیانه می سازد). (د
- (آن ها بر ستیغ کوه آشیانه می سازند). (ند

( جمله ی (دوم

نهاد گزاره

- (Φ). پیرمرد کودکان را به خانه رساند
- (Φ). پیرمرد کودک را به خانه رساند
- (Φ). پیرمرد او را به خانه رساند
- (Φ). پیرمرد او را به خانه می رساند
- (Φ). پیرمرد او را به خانه رسانده بود
- است و اگر مضارع اخباری به حساب آوریم شناسه (Φ) اگر می رساند را ماضی استمراری بگیریم نهاد پیوسته : نکته
- (د) خواهد بود

( جمله ی (سوم

نهاد گزاره

- (انسان آگاه وظیفه اش را به خوبی انجام می دهد). (د
- (اعضای جامعه وظیفه شان را به خوبی انجام می دهند). (ند
- (دانش آموز وظیفه اش را به خوبی انجام می دهد). (د
- (ما وظیفه مان را به خوبی انجام می دهیم). (یم
- (همه ی اعضای خانواده وظیفه شان را به خوبی انجام می دهند). (ند
- (شما وظیفه تان را به خوبی انجام می دهید). (اید

( مَ ) . من وظیفه ام را به خوبی انجام می دهم

. با مرور آنچه که در درس دوم خواندید، به راحتی می توانید این سؤال را پاسخ بدهید— ۵

### خودآزمایی درس سوم (مروری بر نگارش دوره ی راهنمایی) صفحه ۱۵ و ۱۶

یکی بود یکی نبود . غیر از خدا هیچ کس نبود . پیرمرد خار کنی بود که هر روز به بیابان می رفت و خار جمع می — ۱ کرد، یک روز وقتی سرگرم جمع آوری خارها بود ، ناگهان چشمش به کوزه ای پر از اشرفی افتاد . کوزه را برداشت و به خانه اش رفت .

هنگام شب به زنش گفت : این کوزه باید متعلق به حاکم باشد که آن را در بیابان مخفی کرده بود پس بهتر است آن را به حاکم بر گردانم . او بی گمان پاداش خوبی به من می دهد . زن که ساده لوحی شوهرش را دید ، نیمه شب به سراغ اشرفی ها رفت و آن ها را برداشت و به جایشان کلوخ گذاشت . فردا صبح زود ، خارکن به جای رفتن به صحرا به قصر حاکم رفت . همین با ترس ولرز نزد حاکم رفت و گفت : من . که به قصر رسید متوجه متوجه شد اشرفی ها نیست ، ولی راه برگشتی نداشت خارکن پیری هستم و یک گاو دارم و شیرش را با این کلوخ ها وزن می کنم و به مردم می فروشم ، برای این که مطمئن شوم کم فروشی نمی کنم ، می خواستم این کلوخ ها را با وزنه ی دربار آزمایش کنم (بسنجم) تا از درستی وزن آن ها ( خیالم راحت شود ) (آسوده خاطر شوم)

پیر مرد، خوشحال شد و شادمان به . حاکم که دید پیر مرد چه قدر درستکار است، یک مشمت اشرفی برای تشویق به او داد . خانه بازگشت

نکته : به تفاوت های زبان گفتاری و زبان نوشتاری توجه کنید

### : در زبان گفتاری

.واژه ها به شکل شکسته به کار می روند \*

. اجزای سخن، نظم و ترتیب ویژه ای ندارند \*

. از کلمات محاوره ای و عامیانه استفاده می شود \*

### : در زبان نوشتاری

. کلمات به صورت کامل کاربرد دارند \*

. اجزای کلام طبق قواعد دستور نظم خاصی دارند \*

. کلمات محاوره ای و عامیانه به کار نمی روند \*

### : به چند تغییر مهم در متن مندرج در سؤال دقت نمایید

جای گزینی واژه های مناسب نوشتاری به جای واژه های گفتاری؛\*

ناگهان / شنگول — شاد — پنهان کردن / یهو — نیمه شب / قایم کردن — نمونه : نصف شب

کوتاه کردن جملات ؛ \*

نمونه : بیابون ← بیابان / می رف ← می رفت / داش ← داشت

۲ -

نقش مطبوعات در اطلاع رسانی چیست ؟ ( الف )

. مطبوعات چه تأثیری بر رفتارهای اجتماعی و فردی دارند ( ب )

. نقش مطبوعات را در بهداشت روانی جامعه مورد بررسی قرار دهید ( پ )

مطبوعات چه تأثیری بر حرکت های عمومی و سیاسی دارد ؟ ( ت )

. نقش مطبوعات را در رشد فرهنگی خانواده ها بنویسید ( ث )

۳ -

دانش آموزان عزیز ! در پاسخ به این سؤال می توانند از آرایه های جان بخشی و تشخیص بهره بگیرند ، عنصر تخیل در نگارش این متن شما را یاری خواهد کرد .

۴ -

: جمله ی : هیزم شکن به جنگل می رود

نهاد گزاره

هیزم شکن به جنگل می رود ( الف )

زبان یکی از جنبه های راز آمیز وجود انسان است : جمله ( ب )

۵ -

: پژوهشگر محترم ، خانم ایران نژاد درباره ی دیوان پروین اعتصامی شاعر مشهور ایران چنین گفت

« . ما مدینه ی فاضله ای از ارزش های اخلاقی را در دیوان پروین می بینیم »

خودآزمایی درس چهارم ( جمله و اجزای آن ) صفحه ۲۰ و ۲۱

۱ -

: جمله ای سه جزئی با مفعول که نهاد آن صفر است ( گزاره ی این جمله دو جزء دارد : قدر وقت را بدانیم : جمله ی اول  
( مفعول + فعل )

مدیر آموزشگاه ما را شناخت . ( جمله ای سه جزئی با مفعول ) گزاره ی این جمله دو جزء دارد : مفعول + : جمله ی دوم

فعل.

تجربه های بسیاری از سفر برگرفتیم . ( جمله ی چهار جزئی با مفعول و متمم ) گزاره ی این جمله سه جزء : **جمله ی سوم** دارد : مفعول + متمم + فعل

متصدی موزه جوانی بود سی ساله . ( سه جزئی با مسند ) گزاره ی این جمله دو جزء دارد : مسند + فعل : **جمله ی چهارم**

زندگی چیست ؟ ( چه است ؟ ) ( سه جزئی با مسند ) . گزاره ی این جمله دو جزء دارد : مسند + فعل : **جمله ی پنجم**

کودکان ، داوطلب فروش نشریه ی «نسیم شمال» می شدند . ( سه جزئی با مسند ) . گزاره ی این جمله دو : **جمله ی ششم** جزء دارد: مسند + فعل

زبان فارسی را اسلام به هند برد . ( سه جزئی با مفعول ) گزاره ی این جمله دوجزئی دارد : مفعول + فعل : **جمله ی هفتم**

پیام تبریکی به معلم خود بنویسید . ( چهار جزئی با مفعول و متمم ) گزاره ی این جمله سه جزء دارد : **جمله ی هشتم** متمم + فعل + مفعول

مرغان دریایی پریده بودند . ( دو جزئی (( نهاد + فعل )) گزاره ی این جمله یک جزء دارد : فعل : **جمله ی نهم**

( او می نشیند . ( فعل ناگذر ، جمله ی دو جزئی ← می نشیند - ۲

( سه جزئی مفعولی ) . شیشه شکست ( دو جزئی ) علی شیشه را شکست ← شکست

( بچه ها نمایش را می بینند . ( سه جزئی مفعولی ← می بینند

( خیاط لباس ها را می دوخت . ( سه جزئی مفعولی ← می دوخت

یاد آوری : لازم است در پاسخ به این سؤال به ویژگی های ظاهری مثل قد ، وزن ، رنگ ← . تکلیف دانش آموز است - ۳  
چشم و چهره ی دوست خود و هم چنین خصوصیات اخلاقی و روحی ، علایق و عادات او توجه کنید

منظور از خطّ تحریری ، خطّ معمول نوشتن است که در آن برای حفظ سرعت ، به جای حروف زاویه دار ، حروف را - ۴  
قوسی دار می نویسند و به جای آن که حروف در یک خطّ ، کنار هم قرار گیرند ، برخی از آن ها بالای هم قرار می گیرند ؛  
مثال :

گالری : ؛ خط غیر تحریری : خط تحریری \*

در این کلمات همزه بدون کسره نوشته می شود ← . سؤال ، مسائل ، مبدأ ، لؤلؤ ، نئون ، پروتئین : **نکته**

**صفحه ۲۸ و ۲۹ ( خود آزمایی درس پنجم ) ویرایش**

در جمله ی نخست ؛ چون بین چند جمله که اسناد واحدی داشته باشند ، این نشانه به . کاربرد نشانه ی ویرگول ( ، ) 1 ( الف ) کار می رود ؛ مانند : ( ... با نزدیکان ، دوستان ، هم شاگردان و ... ) 2 . در جمله ی دوم ؛ به این دلیل که عبارت ( ) . خواه حضوری ، خواه تلفنی ) به عنوان توضیح در ضمن جمله یا عبارت دیگر آمده است

به کارگیری نقطه ( . ) : در پایان جملات خبری این نشانه ( . ) کاربرد دارد ؛ مثل : این پیام ها ، خواه حضوری ، ( ب ) خواه تلفنی شفاهی است

کاربرد خط فاصله ( - ) : در این جا برای جدا کردن عبارت معترضه از جمله ی اصلی به کار رفته است ( در جهان ( پ ) معاصر نیز جامعه هایی بودند - و شاید هنوز هم باشند - که همان حال را داشتند و برای پیام رسانی کلامی ، و حذف آن . هیچ تغییری در معنای جمله ایجاد نمی کند

جمله یا عبارت معترضه ، جمله ای است که به عنوان توضیح در میان جمله یا عبارتی دیگر آورده شود و حذف آن : نکته هیچ تغییری در معنای جمله ایجاد نمی کند

هنگامی که بخواهند از مزایای صرفه جویی و پس انداز سخن گویند ، معمولاً ضرب المثل « اندک اندک خیلی شود و - ۲ . قطره قطره سیلی » را به کار می برند . در حالی به وطن بازگشت ( ۱۹۱۷ ) که شهرت خاص و عام یافته بود « گاندی » - . برای درست نوشتن ، باید واژگان مناسب ( اسم ، فعل ، قید و صفت ) را خوب بشناسیم - . ... عوامل مهم تربیت عبارتند از: خانواده ، مدرسه ، معلم ، اجتماع ، کتاب و - . به چهار زبان باستانی . محمد معین « با سه زبان زنده ی دنیا ( عربی ، فرانسه و انگلیسی ) آشنایی داشت « دکتر - در دستور زبان و نیز لغت فارسی نظیر نداشت . از این جا . ( پهلوی ، فارسی باستان ، اوستا و سنسکریت ) نیز مسلط بود . در می یابیم که او چه پایگاه بلند علمی و ادبی ای داشته است . چند دکان کوچک نانوايي ، قصابی ، عطاری ، دو قهوه خانه و یک سلمانی ... مجموعه ی شهر را تشکیل می داد -

— ۳

یکی از موارد قلاب : در نمایش نامه ها دستورهای اجرایی را \_ که از جمله مطالب غیر اصلی اند\_ در داخل قلاب ( الف ) [می آورند ؛ مانند: مرد اسیر وارد شد] درحالی که پایش را لنگان لنگان می کشید

از ( \* ) در آغاز یک سطر به نشانه ی شروع سخن تازه یا برای نشان دادن کلمه یا عبارتی که در پاورقی توضیح داده ( ب ) می شود ، استفاده می کنیم . باین کاربرد در اغلب درس های ادبیات فارسی با آن سروکار داریم ؛ مانند: تو پور\* گو پیلتن \* رستمی زدستان\* سامی\* و از نیرمی

: علامت پیکان ( ← ) : برای نشان دادن نتیجه ی ترکیب چند جزء یا تجزیه ی یک کلمه ؛ مانند ( پ ) . مند+ ان + هنرمندان « ← هنر »

ممیز ( خط مورب ) : از نشانه ی ممیز یا خط مورب برای جدا کردن روز ، ماه ، سال و همچنین دو مصراع یا بیت ( ت ) موافقت می گردد . شما می ۱۳۷۹ / استفاده می شود ؛ مانند : دانش آموزان سال اول دبیرستان ، با درخواست تاریخ ۲ / ۷ هنگام نشاط و روز صحراست « را به صورت سرود اجرا /توانید شعر «سعدی» با مطلع : «بوی گل و بانگ مرغ برخاست کنید .

فعالیت دانش آموزی است — ۴

خود آزمایی درس ششم ( شکل های زبان ) صفحه ۳۳

. گونه ، لهجه ، گویش — ۱

. خوراک زبان « : در این ترکیب زبان نام عضوی از بدن است» — ۲

زبان رنگ ها « : در این ترکیب زبان به صورت استعاری به کار رفته است و مقصود، تاثیر رنگ ها بر روح و روان است .

زبان فارسی « : یکی از زبان های طبیعی و انسانی است و تعریف زبان شامل آن می شود: نظامی از نشانه ها برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام .

زبان پرندگان « آوایی که پرندگان - به صورت غریزی یا تقلیدی - تولید می کنند و ویژگی های زبان انسانی را ندارند « . همچنین مفهومی استعاری دارد

دو ساختی بودن زبان موجب می شود انسان به امکانات پیچیده و گسترده ای دست پیدا کند ، به طوری که با تعداد ۳ - و با این نشانه ها بی نهایت پیام و جمله تولید کند ( نشانه های بسیار زیادی بسازد ) واژه ها ( محدودی از آواها (واج ها

ویژگی های زایایی : همان ویژگی است که انسان را قادر می سازد ، جمله هایی بسازد که پیش از آن نه بکار برده و نه شنیده است ؛ بنابراین به سبب ویژگی زایایی ، ما می توانیم به کمک نظام زبان ، که خود محدود است ، جملات نامحدود بسازیم ؛ حتی جملاتی که از پیش وجود نداشته اند و بیش از این از کسی نشنیده ایم . مثال

ستاره ها در انتظار رسیدن سپیده دم تمام شب بیدار می مانند ( الف

سراب با اندیشه ی باران ، سیراب می شود ( ب

کشاورز در شالیزار رنج می کارد تا برنج برداشت کند ( پ

آن ویژگی زبان است که اهل زبان را قادر می سازد، درباره ی چیزهایی سخن بگویند که به زمان و : ویژگی نا به جایی مکانی که در آن قرار دارند ، مربوط نیست ؛ مثال

( مربوط به آینده). به امید خدا من در آینده مهندس خواهم شد ( الف

( بیدل دهلوی در آثار خود سبک هندی را به کار گرفته است .(مربوط به گذشته ( ب

تکلیف دانش آموزان است - ۵

زبان شکل های بسیار متنوعی به خود می گیرد ./ در زبان های انسانی ، صداهای بی معنی با هم ترکیب می شوند. / - ۶

زبان انسانی در معرض تغییر و تحول است / . لهجه و گویش با هم تفاوت دارند

جمله

#### نهاد گزاره

زبان شکل های بسیار متنوعی به خود می گیرند

صداهای بی معنی در زبان های انسانی با هم ترکیب می شوند

لهجه و گویش با هم تفاوت دارند

زبان انسانی در معرض تغییر و تحول است

درس هفتم ( چرا املا می نویسیم ؟ ) خودآزمایی ندارد

#### خودآزمایی درس هشتم ( ویژگی های فعل ۱ ) صفحه ۴۳

(اول شخص مفرد : (دیدن و پذیرفتن- ۱

مصدر /ماضی ساده /ماضی استمراری /ماضی بعید /ماضی التزامی/ ماضی نقلی/ مضارع اخباری /مضارع التزامی/ آینده دیدن /دیدم /می دیدم / دیده بودم /دیده باشم /دیده ام /می بینم /بینیم /خواهم دید

پذیرفته باشم /پذیرفته ام /می پذیرم /بپذیرم /خواهم پذیرفت/پذیرفتن /پذیرفتم /می پذیرفتم /پذیرفته بودم

( دوم شخص مفرد : ( دو مصدر دیدن و پذیرفتن- ۲

مصدر /ماضی ساده /ماضی استمراری / ماضی بعید/ ماضی التزامی / ماضی نقلی / مضارع اخباری / مضارع التزامی /آینده

دیدن / دیدی / می دیدی / دیده بودی / دیده باشی / دیده ای / می بینی / ببینی / خواهی دید  
 خواهی پذیرفت / پذیرفتی / می پذیرفتی / پذیرفته بودی / پذیرفته باشی / پذیرفته ای / می پذیری / بپذیری / پذیرفتن  
 ( سوم شخص جمع : ( دو مصدر دیدن و پذیرفتن - ۳

مصدر / ماضی ساده / ماضی استمراری / ماضی بعید / ماضی التزامی / ماضی نقلی / مضارع اخباری / مضارع التزامی  
 / آینده

می دیدند / دیده بودند / دیده باشند / دیده اند / می بینند / ببینند / خواهند دید / دیدند  
 پذیرفتن / پذیرفتند / می پذیرفتند / پذیرفته بودند / پذیرفته باشند / پذیرفته اند / می پذیرند / بپذیرند / خواهند پذیرفت

آورده است ، نشسته است ، می نگر است ، نمی پذیرد ، می دود ؛ مصدر ، بن ماضی ، بن مضارع و صفت مفعولی - ۴  
 . بسازید

فعل / مصدر / بن ماضی = ( مصدر مرخم ) / بن مضارع / صفت مفعولی  
 آورده است / آوردن / آورد / آور / آورده  
 نشستن / نشست / نشین / نشسته / نشسته است  
 می نگر است / نگرستن / نگر است / نگر / نگر است  
 نمی پذیرد / پذیرفتن / پذیرفت / پذیر / پذیرفته  
 دویده / می دود / دویدن / دوید / دو

می نویسید ، می رود ، بروند ، خواهیم آمد ، می آیند ، خواهند شنید - ۵  
 فعل / گذشته ی ساده / گذشته نقلی / گذشته بعید  
 \* می نویسید / نوشت \* / نوشته است \* / نوشته بود  
 \* می رود / رفت \* / رفته است \* / رفته بود  
 بروند / رفتند / رفته اند / رفته بودند  
 خواهیم آمد / آمدیم / آمده ایم / آمده بودیم  
 آمده بودند / می آیند / آمدند / آمده اند  
 خواهند شنید / شنیدند / شنیده اند / شنیده بودند

. تبدیل شده است (( φ در فعل هایی که با ستاره مشخص شده اند ، شناسه ی «د» به : توجه  
 . تکلیف دانش آموز است - ۶

با واج های / ک ، ـ ، ت ، ا ، ب ، ر ، ا ، د ، و ، س ، ت ، د ، ا ، ر ، ـ ، م / ۱- نشانه های ( واژه های ) ( الف - ۷  
 ، « را » ، « دوست » ، « کتاب

. دارم « را می سازیم ؛ ۲ - با این واژه ها جمله ی « کتاب را دوست دارم » می سازیم «

با ترکیب واج های / ش ، ـ ، ع ، ر / واژه ی « شعر » را می سازیم . ۲ - با ترکیب واژه های « شعر » ، « ۱ - ( ب  
 آفرینش » ، « زیبایی » و

. است « جمله ی « شعر ، آفرینش زیبایی است » را می سازیم «

با ترکیب واج های / ـ ، ن ، س ، ا ، ن / واژه ی « انسان » را می سازیم . ۲- با ترکیب واژه های « انسان » « ۱ - ( پ  
 . تلاشگر » و « است » جمله ی « انسان ، تلاشگر است » می سازیم

تهیه ی لباس ، تعیین قیمت ، تحقیق و بررسی ، اعماق دریا ، تلاطم دریا ، نامه ی مزبور ، راجع به درس ، تشکر و - ۸  
 . سپاس گذاری ، وهله ی اول

. تعیین )) ، مصدر باب تفعیل از ریشه ی سه حرفی (( عین )) است )) \* : نکته

بر + رس + ی ← بررسی )) ، واژه ای مشتق است )) \*



واج (( ع )) حذف می شود = راجب ، ولی در نوشتار باید آن را به طور کامل نوشت (( هنگام تلفظ واژ ی )) راجع به \*

نهادن : گزاردن : به جا آوردن / گزاردن \*

خود آزمایی درس نهم ( نگارش علمی ، نگارش ادبی ) صفحه ۴۷

۱ -

، نوشته ای «علمی» است ، زیرا واژه ها در معنای اصلی و حقیقی خود به ( . . . نوشته ی نخست ) زبان وسیله ی ( الف ) طور گویا و روشن و صریح و مستقیم بیان شده اند . هم چنین از هیچ یک از آرایه های ادبی در آن استفاده نشده است . این نوشته ها از کلمه ها تنها برای انتقال مستقیم مفاهیم دقیق علمی بهره گرفته است

ادبی» است . چون نویسنده در آن از آرایه های ادبی برای توصیف و « . . . نوشته ی دوم ( غروب ، غم رنگ و ( ب ) تصویر معانی ذهنی و بیان عواطف و احساسات درونی بهره گرفته است . پیام نوشته نیز ، به طور غیر مستقیم و غیر صریح بیان شده است . در این نوشته ، تخیل و جان بخشی به اشیا برجستگی ویژه ای داده اند

نوشته ی الف زمان کلیه ی افعال « است » مضارع است : فعل مضارع ( ساده ) / ندارند : فعل مضارع ( ساده ) / اند - ۲ ( ساده ) / شود : فعل مضارع التزامی / شده است : فعل ماضی نقلی ( مفهوم مجهولی دارد ) ( بی بهره اند ) : فعل مضارع نیست : فعل مضارع ( ساده ) / می توانند : فعل مضارع اخباری / بیندیشند : فعل مضارع التزامی / می توانند : فعل مضارع ( است ) : فعل مضارع ( ساده ) / اخباری / مطرح کنند : فعل مضارع التزامی

در کتاب های فعلی زبان فارسی از فعل مضارع ساده حرفی به میان نیامده است . طبق زیر نویس صفحه ی چهل زبان « فارسی ۲ اگر فعل « است » را با «می باشد» بتوانیم عوض کنیم مضارع اخباری و اگر با « باشد » تعویض شود مضارع التزامی است

مضارع اخباری / بالامی زند : مضارع اخباری / می : نوشته ب «ادبی» است . می بارد : مضارع اخباری / نمی وزد ماضی نقلی / ایستاده است : ماضی نقلی / برداشته است : ماضی نقلی : لرزد : مضارع اخباری / پوشانده است . فعالیت دانش آموزی است - ۳

بزرگی را پرسیدم از سیرت اخوان صفا گفت کمینه آن که مراد خاطر یاران بر مصالح خویش مقّم دارد و حکما گفته - ۴ . اند برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است

خویش و خویش - جناس تام دارند . / در بند خویش بودن - کنایه از : به فکر خود بودن است

( او به سمت کتابدار دبیرستان منصوب شده است . ( منصوب - ۵

( سهراب سپهری از شاعران معاصر ایران است . ( معاصر -  
( حقیقت علم کمک به هم نوع خویش و کسب رضایت باری تعالی است . ( خویش - تعالی -  
( سنگ های خرد را از زمین زراعی جمع کرد . ( خرد - جمع -

خود آزمایی درس دهم ( ویژگی های فعل ۲ ) صفحه ۵۱

مادر کودکش را خواباند / خوابانید - ۱

سخنان بزرگمهر را به اطلاع مردم ایران رساند / رسانید -

خون جگر دیو سپید را در چشم کاووس چکاند / چکانید -

اخوان دیو قطعه ای از زمین را که رستم بر آن خوابیده بود ، برید ویر سر دست چرخاند / چرخانید -

رستم بار دیگر رخس را تا محل حادثه دواند / دوانید و به سرعت خود را به آن جا رساند / رسانید -

نکته : فعل جملات بالا را به صورت گذرا آورده ایم ، چون در هر جمله ، مفعول وجود دارد . به جای زمان ماضی ، از ساخت های دیگر ماضی و مضارع یا آینده هم می توان استفاده کرد . چون جمله های بالا خبری اند ، به کار بردن فعل های ماضی التزامی و مضارع التزامی مناسب است

است ← گذرا به مسند - ۲

است ← گذرا به مسند / بپروراند = گذرا به مفعول

می بیند ← گذرا به مفعول

حفظ کرده اند ← گذرا به مفعول

. آورده است ، می دود ، پذیرفته بود ، آمده بودند ، بیفکند ، برده اند ، می سازند - ۳

فعل / مضارع التزامی / ماضی التزامی / ماضی ساده

آورده است / بیاورد / آورده باشد / آورد

بدود / دویده باشد / دوید / می دود

پذیرفته بود / بپذیرد / پذیرفته باشد / پذیرفت

آمده بودند / بیایند / آمده باشند / آمد

افکند / بیفکند / بیفکند / افکنده باشد

برده اند / ببرند / برده باشند / بردند

می سازند / بسازند / ساخته باشند / ساختند

گل های بابونه ی وحشی چشم به رقص شقایق دوخته بودند و آفتاب نیز نور افشانی می کرد ، باران نم نم می بارید و - ۴ قطرات آن بر گلبرگ های لطیف شقایق می غلتید و غزل وداع را سر می دادند . ( البته خوتان هم می توانید با استفاده از ) . آرایه ها و تخیل خود نوشته های دیگری نیز جایگزین کنید

خود آزمایی درس یازدهم : ( مقایسه ) صفحه ۵۵

. فعالیت دانش آموزی است - ۱

در درس پانزدهم (فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی ) نویسنده به تفاوت عمده ی فرهنگ جدید غربی با فرهنگ - ۲ اسلامی پرداخته است

( هل یستوی الأعمی و البصیر أفلا تتفكرون . ( انعام / ۵۰ ) - لا یستوی الخبیث و الطیب . . . ( المائده / ۱۰۰ - ۳

( لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة . ( الحشر / ۲۰ -

آزادی « را با پدیده هایی می توان سنجید که میان آن ها همسانی و سنخیت و پیوندی باشد، البته این پیوند می تواند ، « - ۴ همانندی یا نا همانندی باشد . مانند : آزادی و بردگی / آزاری و آزادی / پرنده و آزادی / آزادی و اسارت و

تلفنی ، با تلفن / زباناً - زبانی ، با زبان / تلگرافاً - « جاناً - جانی ، از جان و دل / دوماً - دوم / سوماً - سوم / تلفناً - ۵ تلگرافی ، با تلگراف

باغ ها / گرایشات - گرایش ها - باغات

هر دو تصویر ، محیط زندگی است . / در هر دو ، هدف نمایش بخشی از موقعیت و شیوه ی زندگی است . : موارد تشابه - ۶ . / در هر دو تصویر ، مردم به فعالیت روزمره مشغول هستند

تصویر نخست ، زندگی مردم عشایر را نشان می دهد که به شغل دامپروری مشغول هستند . / در : موارد تفاوت و تمایز تصویر دوم ، یکی از شهرهای بزرگ و پرجمعیت با ساختمان های انبوه دیده می شود . / در تصویر اول ، شیوه ی زندگی متفاوت از تصویر دوم است . / در تصویر دوم ، به دلیل فراوانی جمعیت ، ساختمان های محل سکونت و اشتغال در فاصله

ی بسیار کم از یک دیگر قرار دارند . / در تصویر اول ، هوای مناسب تری برای تنفس و زندگی وجود دارد

صفحه ۶۳ (خود آزمایی درس دوازدهم : ( گروه اسمی ۱

هسته همین دو کتاب جغرافی کتاب / گروه اسمی

خانه ی پدری خانه

عامل مهم ترقی نوجوانان عامل

سازمان ملی توسعه و پیشرفت اقتصادی سازمان

هر درخت میوه دار درخت

یک گله گوسفند گوسفند

همه کس کس

آهنگ های آسمانی آهنگ

هر پنج دانش آموز دانش آموز

۲-

در جمله، آن و این می گیرند : آن قید، این قید ج: می توان آن را جمع بست : قیدها ، قیود ب: قید ← اسم است. به دلیل الف  
( . نقش می پذیرند : این کلمه ، قید است . ( قید در این جمله نقش مسند گرفته است

آن : نکره می گیرد : ساختمان ج (( ی )): می توان آن را جمع بست : ساختمان ها ب: ساختمان ← اسم است . به دلیل الف  
در جمله ، نقش می گیرد : ساختمان ، نیاز به بازسازی دارد . ( در این جمله : و این می گیرد : آن ساختمان ، این ساختمان د  
( . کلمه ی ساختمان نقش نهاد را پذیرفته است

نکره می گیرد: شعری شنیدنی (( ی )): می توان آن را جمع بست : اشعار ، شعرها ب: شعر ← اسم است. به دلیل الف  
نقش می پذیرد : شعر زیبا ، طراوت بخش روح است . ( در این : این و آن )) می گیرد : این شعر ، آن شعر د )): ج . است  
جمله (( شعر زیبا )) نقش نهاد گرفته است

شعرا ← اسم است . به دلیل الف : اسمی بوده که جمع بسته شده است : شاعر ب : این و آن می گیرد : این شعرا ، آن شعرا  
ج : (( ی )) نکره می گیرد : شعرای ماندگار د : در جمله ، نقش می پذیرد : شعرا ، تخیل قوی دارند. ( در این جمله ))  
( . شعرا )) نقش نهاد گرفته است

صفت هستند و نه اسم ، البته می توانند جانشین اسم بشوند ((واژه های( اصلی ))، (( معرفه : توجه

گرفتند )) ← فعل است / (( از )) ← حرف اضافه است . / ((پیش تر ، پیش )) ← صفت هستند . / (( پنجم )) و (( ))  
تعجب آور )) ← صفت هستند

۳-

مفرد جمع

دانشجو دانشجو ها، دانشجویان / عقاب عقاب ها / چشم چشم ها، چشمان

ریاضی، ریاضی ها، ریاضیات / پلنگ پلنگ ها، پلنگان / گربه گربه ها

میوه میوه ها، میوه جات / بنده بنده ها، بندگان / سبزی سبزی ها، سبزیجات

نکته نکته ها، نکات / زانو زانو ها، زانوان / کتاب کتاب ها، کتب

بانو بانو ها، بانوان / ابرو ابرو ها، ابروان / خانم خانم ها

نور نور ها، انوار / فرمایش فرمایش ها، فرمایشات / عضو عضو ها، اعضا

کافر کافر ها، کافران، کفار / آشنا آشنا ها، آشنایان / بچه بچه ها

۴-

جمع مکسر /مفرد

ماده، / نتیجه، نتایج / کاسب، کسبه / دعا، ادعیه / عمل، اعمال / شاهد، شواهد / رأی، آرا / قلّه، قلل / زمان، ازمنه  
کافر، کفار / مواد

۵-

جمله /کلمه

. چهار راه ← در چهار راه تصادف عجیبی رخ داده است

. دستمال را کنار سفره بگذار ← دستمال

. خودکار ← با خودکار آبی به سؤالات پاسخ دهید

. دانش ← از دانش بهره ببر که همچون چراغی راه را نشان می دهد

. ماهی کپور ← تا حالا ماهی کپور صید کرده ای ؟

. کتابخانه ← هر هفته برای مطالعه به کتابخانه می روم

کاروان، شتر، زرافه، کلاغ، چنار، پلکان، زیره، هوش، جو، ← اسم های ساده - ۶

آویزه، زاغچه، لبه، جوشش، پاسبان، گریه ← اسم های مشتق  
قافله سالار، آبدوغ خیار، شتر گاو پلنگ ← اسم های مرکب

( . ) عام = آتش ها ، آتشی دهشتناک ( اگر اسم شخص باشد ، خاص است - آتش  
 عام = هوایی دلپذیر - هوا  
 ( ) عام = افتخارات ، افتخاری بی نظیر ، ( اگر اسم شخص باشد خاص است - افتخار  
 پول = عام = پول ها ، پولی هنگفت  
 عام = برنج ها ، برنجی خوش پخت = - برنج  
 . خاص = جمع بسته نمی شود و ی نکره نمی گیرد = قاسم  
 . باد = خاص = جمع بسته نمی شود و « ی » نکره نمی گیرد - قاسم آ  
 . عام = نقش می پذیرد - هلاک  
 نکره آورد = سلامتی (( عام = می توان آن را با ( ی - سلامت  
 بره ها ، بره ای = عام - بره  
 عام = سنگ ها ، سنگی بزرگ - سنگ  
 عام = چاره ها ، چاره ای - چاره  
 . ی (( نکره نمی گیرد )) خاص = جمع بسته نمی شود و - زهره  
 شمع ها ، شمع روشن = عام - شمع  
 باشد؛ خاص ؛ (( اگر اسم انسان باشد، عام و جمع بسته نمی شود و ( ی )) نکره نمی گیرد . اما اگر اسم (( گلی = - سوسن  
 . سوسن ها ، سوسنی را در گلدان کاشتم  
 ی )) نکره نمی گیرد . اما اگر ( منظور سنگ آسمانی )) اگر اسم انسان باشد عام و جمع بسته نمی شود و - شهاب  
 باشد( خاص و شهاب ها ، شهابی  
 . خاص = چه اسم سیاره باشد و چه اسم انسان ، جمع بسته نمی شود و ( ی )) نکره نمی گیرد - بهرام  
 . خاص = جمع بسته نمی شود و ( ی )) نکره نمی گیرد - مریخ  
 عام = انگیزه ها ، انگیزه ای - انگیزه

### نکته :

اسم های عام : الف ( جمع بسته می شوند ب ) « ی » نکره می گیرند ج ) بر همه ی افراد طبقه خود دلالت می کنند بر عکس  
 اسم های خاص  
 . تکلیف دانش آموزی است - ۸

**درس سیزدهم (با چه خطی بنویسیم ) خود آزمایی ندارد**

**۷۳-صفحه ۷۲ (خود آزمایی درس چهاردهم ) توصیف**

. تکلیف دانش آموزی است - ۱

۲ -

بهار گذشته دو سال بود . . ) ، فضایی طبیعی وصف شده است که با جانوران و انسان دشمنی دارد . ( **در نوشته ی نخست**  
 نویسنده با شرح تأثیر گرما در خاک ( ترک می خورد و از هم می پاشد ) ، در جانوران ( حیوان ها واقعا دیوانه می شدند  
 احساس می کردی چشم هایت می خواهند از حدقه بیرون ببرند ) و هم چنین با تعبیرهای کنایه قوی ( ) و در انسان  
 درست در جهنم باز شده بود ) ، داغی تنور آسای هوا را چنان به وصف در آورده است که خواننده آن را حس می کند و  
 توصیف گرمای طاقت فرسای یک روز تابستانی است

\*\*\*\*\*

**در نوشته ی دوم** نویسنده برای برانگیختن احساسات و عواطف نسبت به سنت های گذشته و توجه دادن به آبخورهای نخستین فرهنگی و ملی و تشویق خواننده به بازگشت و رویکرد به خواستگاه ، به توصیف هایی دل انگیز از محیط روستا دست زده است ؛ ( بوی شبدر دوجین یا صدای بلدرچین یک دم قطع نمی شود ) و سرانجام ، عواطف انسان دوستانه ی او را تحریک می کند و می نویسد : « بیا تا هوا ترو تازه است و مادر چشم به راه توست » خلاصه این که نویسنده برای اثر بخشی بیش تر ، از توصیف زیبایی ها و مناظر طبیعت بهره می گیرد . توصیف صحنه ای از زندگی عشایری در دامن کوهساران و در اوایل بهار می باشد

، ادله ← دلیل ، ( احرار ← حر ، قلاع ← قلعه ، قرا ← قریه ) قاری مفرد کلمه ی « قرا » است - ۳  
مکتوب ، مکاتب ← مکتب ، نسخ ← نسخه ، فلاسفه ← فیلسوف ، تاجر ← تاجر ، مکاتیب  
رعایا ← رعیت ، نواحی ← ناحیه ، معانی ← معنی ، اجانب ← اجنبی ، اشیا ← شیء

تمبر یادبود ← استیفا از کار ← استعفا از کار / خورده فروشی ← خرده فروشی / تمر یاد بود - ۴  
روغن مایه ← روغن مایع

**نکته :** واژه ی (( استیفا )) به معنای (( حق خود را به تمامی گرفتن )) و (( استعفا )) به معنای (( کناره گرفتن از کار )) \*  
است

### زبان شناسی چیست ؟ ( ۱ ) صفحه ۷۷ : خود آزمایی درس پانزدهم

- ۱- زبان شناسی مثل همه ی علوم دیگر - از روش های رایج در تحقیقات علمی ( مشاهده ، تجربه ، آزمایش و فرضیه - استفاده می کند ) سازی
- ۲- زبان شناسان برای حل این مشکل ، عامل « زمان » را که موجب تحول و تغییر در زمان می شود ، کنار می گذارند و - مطالعه ی تغییر و تحول زبان را به شاخه ای دیگر از زبان شناسی - به نام زبان شناسی تاریخی - می سپارند
- ... مطالعه و تحقیق در یکی از گویش های مختلف جغرافیایی ، اجتماعی و - ۳
- باران ملایمی ، نم نم می بارید ، به طوری که زمین را اندکی خیس می کرد - ۴
- در این منطقه ، انواع خرما به دست می آید در آن جانوران بسیار گوناگونی زندگی می کنند -
- سپس یوسف را به سر آن چاه بردند و او را برهنه کردند و طنابی به کمرش بستند -
- وقتی به شهر بصره رسیدیم ، به علت فقر و درماندگی به دیوانه ها شبیه بودیم و مدت سه ماه بود که موی خود را کوتاه - نکرده بودیم
- زمین : مفرد ، جنس ، عام ، ساده / بارانگی : مفرد ، نکره ، عام ، مشتق - ۵
- مفرد ، شناس ، خاص ، ساده : خرما : مفرد ، جنس ، عام ، ساده / یوسف
- زمین : مفرد ، جنس ، عام ، ساده / بصره : مفرد ، شناس ، خاص ، ساده
- برهنگی : مفرد ، جنس ، عام ، مشتق / دیوانگان : جمع ، جنس ، عام ، ساده

### خود آزمایی درس شانزدهم : ( گروه اسمی ۲ ) صفحه ۸۱ و ۸۲

همان کودک ، هیچ کودکی ، یک کودک ، دومین کودک ، کوچک ترین کودک ، کدام کودک ؟ چه کودکی ← کودک - ۱  
! ؟ عجب کودکی

! آن کار ، هر کار ، هزار کار ، آخرین کار ، سخت ترین کار ، چند کار ؟ عجب کاری ← کار

! همین داستان ، چند داستان ، چهار داستان ، اولین داستان ، جذاب ترین داستان ، چند داستان ؟ عجب داستانی ← داستان

! این نتیجه ، فلان نتیجه ، یک نتیجه ، دومین نتیجه ، عالی ترین نتیجه ، کدام نتیجه ؟ چه نتیجه ای ← نتیجه

این نتیجه ← پنج شهر مهم / صفت اشاره ← صفت شمارشی / سه ایالت اسلامی ← صفت شمارشی - ۲

آن چند روز ← صفت اشاره / بزرگ ترین روزنامه ی اجتماعی زمان خود ← این منظور / صفت عالی ← صفت اشاره  
← هیچ کس / صفت تعجبی ← این شهامت / صفت مبهم ← کوبنده ترین مقاله ها / صفت اشاره ← اختفای خود / صفت عالی  
/ یک نکته ← هر دو / صفت شمارشی ← آن سخت گیری آغاز کار / صفت مبهم ← چه روز های سختی / صفت اشاره

نوک پیکان در نمودار پیکانی از وابسته به طرف هسته رسم می شود ! مثلاً در گروه اسمی : آن چند روز ، روز : تذکر  
هسته است و بنابراین ابتدا نوک پیکان از چند (صفت مبهم) به طرف روز و سپس پیکان دیگری از زیر آن (صفت اشاره)  
به طرف میان پیکان چند روز رسم می کنیم

شباهت : زبان انسانی و زبان حیوانات ، هر دو برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام هستند اما تفاوت آن ها در این است که - ۳  
زبان انسان از روی تفکر و تعقل است ، اما زبان حیوان این گونه نیست . در زبان حیوانی ، ویژگی هایی از قبیل (( دو  
. ساختی بودن ، نابه جایی ، زایایی )) - که خاص زبان انسان هاست - دیده نمی شود

جواهر ← جواهرات / ارباب ← اربابان / حور ← حوریان / مراسم ← مراسم ها - ۴

نکته : اگر چه همه ی واژه های مندرج در این سؤال ، جمع مکسرند . اما برخی از آن ها در زبان فارسی معاصر ، مفرد \*  
محسوب می شوند و یا با نشانه های جمع رایج در فارسی جمع بسته می شوند

خودآزمایی درس هفدهم ( ساده نویسی ) صفحه ۸۸ و ۸۹

یکی از بهترین و مؤثرترین وسایل کسب مهارت در انواع نوشتن ، خواندن مطالب گوناگون علمی ، ادبی و هنری است - ۱

در هنگام مطالعه باید مطالب مورد نظر را به دقت بررسی کنیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم ، همچنین نکات مهم را -  
یادداشت و گرد آوری نماییم

به لطف خداوند ، سال ها به مطالعه و پژوهش در مثنوی معنوی مولوی سرگرم بودم . در این راه بارها به دشواری ها و - ۲  
پپیچیدگی هایی برخورد نمودم و از طریق مراجعه به شرح و تفسیرهای گوناگون ، برخی از آن مشکلات حل شد و بعضی ،  
هم چنان باقی است

مستعمل : کهنه ، فرسوده / کوپن : کالا برگ / کاندیدا : نامزد ، داوطلب / سوبسید : یارانه - ۳

پاسخ زیر بازگردانی این داستان است و با شاخ و برگ دادن و توصیف مناظر و جزئیات می توان نوشته را باز نویسی ( - ۴  
کرد )

در روزگار عیسی (ع) سه مرد در راهی می رفتند ، به گنجی رسیدند ، به یک دیگر گفتند : (( یکی را بفرستیم تا برای ما  
یکی را فرستادند ، آن مرد رفت و غذا خرید . او با خود گفت : من باید در این غذا زهر بریزم تا آنان بخورند . )) . غذایی بیاورد  
و بمیرند و گنج به من برسد ، آن دو مرد دیگر گفتند : وقتی این مرد برگردد و غذا بیاورد ، او را می کشیم تا گنج به ما برسد  
وقتی که او آمد و غذای زهر آلود آورد او را کشتند و غذا را خوردند و هر دو مردند . حضرت عیسی علیه السلام وقتی با  
یاران خود از آن مکان می گذشت ، گفت : (( نگاه کنید که چگونه هر سه نفر به خاطر به دست آوردن آن گنج کشته شدند و  
)) . هر سه گنج را از دست داده اند و این پندی است برای دوستداران دنیا که به دنبال دنیا هستند

رضاء ارشد کلاس است . / - بو علی سینا را می توان اعلم حکیمان ایران دانست - ۵  
نزد خداوند کسی افضل است که ایمانی قوی تر داشته باشد -

( تا کنون درباره ی چند موضوع ادبی ، مقاله نوشته ام . ( صفت مبهم - ۶  
( هیچ می دانید تا کنون چند جهانگرد از تخت جمشید دیدن کرده اند ؟ ( صفت پرسشی

فلان = فلان کتاب علمی را خواندم . / عجب = عجب موجود شگفت انگیزی را توصیف می کنی . هیچ = هیچ راهی - ۷  
نیست که به راهبر نیاز نداشته باشد . / همه = همه کس توان رویارویی با حقیقت را ندارد . هر = در هر کاری از خداوند  
منع ال یاری بخواه

خود آزمایی درس هجدهم (گروه اسمی ۳) صفحه ۹۴

این چهار دانش آموز زرنگ - ۱

هسته وابسته ی پسین ۳ (وابسته ی پیشین ۲) (وابسته ی پیشین ۱)  
( صفت اشاره صفت شمارشی اسم صفت بیانی (عادی)  
این چهار دانش آموز - زرنگ

کدام کتاب تاریخ ؟

وابسته ی پیشین ۱ هسته وابسته ی پسین ۲  
صفت پرسشی اسم مضاف الیه  
کدام کتاب - تاریخ

همین دو رودخانه بیلاقی

هسته وابسته ی پسین ۳ (وابسته ی پیشین ۲) (وابسته ی پیشین ۱)  
( صفت اشاره صفت شمارشی اسم صفت بیانی (نسبی)  
همین دو خانه ی - بیلاقی

هر هفت روز هفته

هسته وابسته ی پسین ۳ (وابسته ی پیشین ۲) (وابسته ی پیشین ۱)  
صفت مبهم صفت شمارشی اسم مضاف الیه  
هر هفت روز - هفته

گروه اسمی گروه اسمی - ۲

وابسته وابسته هسته / هسته وابسته وابسته  
اسم صفت مضاف الیه / صفت اشاره صفت شمارشی اسم

وابسته وابسته هسته = همان پنج اثر / این چهار موضوع / همین یک جلسه

هسته وابسته وابسته = نسیم دل انگیز بهار/یار مهربان من/پیام آشنای دوست

الف پنجم : صفت شمارشی ترتیبی است. و بیانی به حساب : از بین کلمه های ذکر شده ، تنها دو کلمه صفت بیانی نیستند - ۳  
ب دیگر : صفت مبهم است . نمی آید

حق گرفتنی ، فرد هوشمند ، سخن سنجیده ، نکته ی جالب ، پند اخلاقی ، انسان دانا ، کار خوب ، فرد کوشا ، دانش آموز مؤدب ، ساقه های طلایی ، منظره ی زیبا ، تارهای گسسته ، شخص زیرک ، حادثه ی تاریخی

- ۴

فعل بن مضارع صفت فاعلی: الف ب پ



--- خورد خور خورنده

--- گرفته است گیر گیرنده گیر

دوان --- می دود دو دونده

سوزان --- سوخت سوز سوزنده

--- داشت دار دارنده دار

--- می دانند دان داننده دانا

گریان --- گریست گری گیرنده

گذشت گذر گذرنده گذرا گذران

خوران کاربرد ندارد، در واژه ی شیرینی خوران «ان» پسوند اسم مصدر است نه نشانه ی صفت فاعلی - ۱  
پسوند مکان «گیران کاربرد ندارد و در واژه ای چون باج گیران «ان» پسوند جمع است و در منطقه ی باج گیران «ان - ۲  
است .

دوا» صفت فاعلی از «دو» نیست بلکه واژه ای بسیط به معنای دارو است - ۳

سوزا» کاربرد ندارد - ۴

داران « کاربرد ندارد و در واژه ای چون مال داران ، «ان» پسوند جمع است - ۵

دانان» کاربرد ندارد و در واژه ای چون حکمت دانان «ان» پسوند جمع است - ۶

گیرنده» چندان رایج و معمول نیست \*  
-----

تکلیف دانش آموزان می باشد - ۵

دریای مواج ، دریای عمان/ سینی : سینی بزرگ، سینی چای : شهر : شهر شلوغ ، شهر تهران / دریا - ۶  
انشا : انشای خواندنی ، انشای دانش آموزان -

خود آزمایی درس نوزدهم ( خاطره نویسی ، یادداشت روزانه ) صفحه ۹۹

۱- فعالیت دانش آموزان است

۲- تکلیف دانش آموزان است

۳- فعالیت دانش آموزان است

۴-

(گروه اسمی ۲) (گروه اسمی ۱)

وابسته هسته وابسته هسته وابسته وابسته

صفت مبهم اسم صفت بیانی اسم نشانه ی نکره صفت بیانی

فلان نویسنده ی چیره دست سخن ی شنیدنی

چند منظره ی زیبا انسان ی دانا

هر پند سودمند پدر ی مهربان

صفحه ۱۰۳ ( خود آزمایی درس بیستم ) ضمیر

کتاب های شما را به امانت برده ام ← کتاب ها یتان را به امانت برده ام - ۱  
برادر ایشان آمده بود و سراغ شما را می گرفت ← برادر شان آمده بود و سراغ تان را می گرفت -

. خیاط هنوز لباسش را حاضر نکرده است ← خیاط هنوز لباس او را حاضر نکرده است -  
 به خوابی عمیق فرو رفته بود، چنان که هر چه او را صدا می زدند . جواب نمی داد . ← به خواب عمیق فرو رفته بود ؛ -  
 . چنان که هر چه صدایش می زدند ، جواب نمی داد  
 . نگاهتان می کردند ← به شما نگاه می کردند / شما را نگاه می کردند -  
 خودت هم او را دیدی ؟ ← خود شما هم او را دیدی ؟ -  
 . اگر ببینیش ، می شناسی ← اگر او را ببینی ، می شناسی ؟ -  
 . داستانی را که خوانده بود . برای ما تعریف کرد . ← داستانی را که خوانده بود ، برایمان تعریف کرد -

مرجع ← مرجع رستم / آن ها ← مرجع رستم / ش در بزرگش ← مرجع ایرانیان / او ← مرجع ایرانیان / آن ها ← ایشان - ۲  
 مرجع رستم / مرجع کشانی (اشکیوس) / وی ← مرجع رستم / ت در هموردت ← گرزوگمند ونیزه / ش در نهیبش  
 مرجع اشکیوس ← مرجع رستم / تو ← مرجع رستم / م در نامم ← مرجع رستم / م در مادرم ← م در نامم

پدر هر شب که به خانه بر می گردد ، از کارش صحبت می کند . ← پدر هر شب که به خانه بر می گردد ، از کار خود - ۳  
 . صحبت می کند  
 . نباید به هر ناملامی از دوستان خود برنجید . ← نباید به هر ناملامی از دوستانتان برنجید -  
 . خودش این مطلب را به شما گفته است . ← او این مطلب را به خودتان گفته است -  
 . حرف آخرتان را بگویید . ← حرف آخر خود / خودتان را بگویید -  
 . کارتان را که تمام کردید ، به دوستانتان هم سری بزنید . ← کار خود / خودتان را که تمام کردید به دوستان خود یا خودتان -  
 . هم سری بزنید  
 آیا این کتاب خودش بود ؟ ← آیا این کتاب او بود ؟ -  
 . تکلیف دانش آموزان است - ۴

**. درس بیست و یکم ( چه کلمه ای اهمیت املائی دارد ؟ ) خود آزمایی ندارد**

**نامه نگاری ( ۱ ) ( صفحه ۱۱۵ و ۱۱۶ ) خود آزمایی درس بیست و دوم**

. فعالیت دانش آموزان است - ۱  
 . فعالیت دانش آموزی است - ۲  
 این نامه تاریخ ندارد . نویسنده نام و نشانی خود را نیز در آن ذکر نکرده است . موضوع نامه مشخص نشده است ( الف - ۳  
 . . عنوان نامه باید پیش از کلمه ی احترام باشد . پایان نامه اسم و امضا ندارد

لحن آن هم از ادب و احترام به دور است (لحن آمرانه است) . این طور به نظر می . این نامه تاریخ و موضوع ندارد ( ب  
 محل امضا کلمه ی تشکر . رسد که نویسنده ، به زیر دست خود نامه نوشته است . آغاز و پایان نامه نیز محترمانه نیست  
 . آمیز ندارد

- ۴

( این را امروز خریدید ؟ ) ( تبدیل صفت به ضمیر ← این کتاب را امروز خریدید ؟ ) ( الف

( نثر کدام کتاب ساده تر بود ؟ ← نثر کدام ساده تر بود ؟ ) ( تبدیل صفت به ضمیر ( ب  
 ( چه می خوانید ؟ ← چه مطلبی را می خوانید ؟ ) ( تبدیل ضمیر به صفت ( پ  
 ارزش کدام را بیشتر می دانید ؟ شعر عارفانه یا عاشقانه را ؟ ← ارزش کدام شعر را بیشتر می دانید ؟ شعر عارفانه ( ت  
 یا عاشقانه را ؟ ← تبدیل ضمیر به صفت

( کتاب را چند خریدید ؟ ← کتاب را چند ریال خریدید ؟ ) (تبدیل ضمیر به صفت ( ث  
( آن که به تو سلام کرد، برادرم بود . ← آن شخصی که به تو سلام کرد، برادرم بود . ) (تبدیل ضمیر به صفت ( ج

۱۲۰- گروه قیدی ( صفحه ۱۱۹ ) خود آزمایی درس بیست و سوم  
۱-

اصلا ( قید نشانه دار ( ب ) ( آن شب ( قید بی نشانه، مشترک با اسم ( الف ) \* . آن شب اصلا از حرف های او سر در نیاوردم  
( ، تنوین دار

( کاملاً ( قید نشانه دار ، تنوین دار \*  
( همان روز صبح ( قید بی نشانه، مشترک با اسم ( الف ) \*  
( «با اتوبوس ( قید نشانه دار ، دارای حرف اضافه «متمم قیدی ( ب  
( «به تهران ( قید نشانه دار ، دارای حرف اضافه «متمم قیدی ( پ  
همه ی مشق ها را با دقت کافى نوشته بود  
( «با دقت کافى : ( قید نشانه دار، دارای حرف اضافه «متمم قیدی  
همه جا را به سرعت گشتیم ؛ از هر کسى سراغ کتاب را گرفتیم ؛ متأسفانه نتوانستیم پیدایش کنیم ؛ هر جا که مى رفتیم، \*  
کتاب فروش مى گفت : « تا همین یکى دو ساعت پیش داشتیم .» با ناراحتى به خانه برگشتیم  
به سرعت : قید نشانه دار ، پیشوندی ( الف  
متأسفانه : قید بی نشانه ، مشترک با صفت ( ب  
هر جا : قید بی نشانه، مشترک با صفت ( پ  
تا همین یکى دو ساعت پیش : قید نشانه دار ، متمم قیدی ( ت  
با ناراحتى : قید نشانه دار ، پیشوندی ( ث  
به خانه : قید نشانه دار ، متمم قیدی ( ج

. دو روز قبل : دو روز قبل به کتابخانه رفتم / خیلی خوب : او خیلی خوب آواز مى خواند- ۲  
. همین جا : به زودی قرار است همین جا بیمارستانی بسازند / دلاورانه : آن ها دلاورانه با دشمن جنگیدند  
. سریع : او سریع از صحنه ی تصادف دور شد . / دیروز ظهر : دیروز ظهر تعدادی میهمان داشتیم  
یک ساعت بعد : یک ساعت بعد ماجرای جالبی اتفاق افتاد  
... نکته : قید های مختص دو گونه هستند: ۱- نشانه دار مثل اصلاً، یقیناً، کاملاً... ۲- بی نشانه مثل هرگز، همیشه، ناگهان و

جناب آقای ..... شاعر گران قدر معاصر - ۳

دانش آموزان سال اول دبیرستان جلسه ی پرسش و پاسخ درسی ، درباره ی شعر معاصر ، تدارک دیده اند . از شما استاد  
. گرام استدعا داریم در صورت امکان با شرکت در این جلسه ما را از دانش و تجربه ی خود بهرمند سازید

با سپاس

دانش آموزان سال اول دبیرستان آیت ا... غفرای هفشجان

\*\*\*\*\*

۴-

این جانب مهران فتحی، دانش آموز سال اول دبیرستان شهید غفاری، هفتجان تقاضای اشتراک آن مجله ی ارزشمند را دارم، بنابراین خواهشمند است در مورد درخواست این جانب اقدام لازم به عمل آید. ضمناً فرم تکمیل شده ی اشتراک و فیش بانکی، ضمیمه ی درخواست می باشد.

با تشکر: مهران فتحی

\*\*\*\*\*

۵-

نیایش، دیابت، پیاز، دیار ← هنگام تلفظ این واژه ها، یک (( ی )) بیش تر تلفظ می شود

دیار ← د + یار = برای سهولت در تلفظ

صفحه ۱۲۴ (۲) زبان شناسی چیست ؟ ( خود آزمایی درس بیست و چهارم

مطالعه ی صداها ی زبان و قواعد ترکیب آن ها به منظور ایجاد ساخت های آوایی زبان را « واج شناسی » می گویند - ۱

بخش صرف به بررسی طبقه بندی نشانه های ساده ( تکواژها ) و چگونگی ساخت واژه ها و انواع آنها ( مشتق ، - ۲ مرکب و ساده ) می پردازد

در بخش نحو، شیوه ی ترکیب انواع کلمات تا سطح گروه یا جمله طرح می گردد و آن گاه گروه ها به گروه های اسمی ، فعلی و حرف اضافه ای ( قیدی ) و جمله ها به انواع ساده ، مرکب ، شرطی ، امری و بیانی تقسیم می گردند

در این سطح، معنای انواع تکواژها، کلمه ها، گروه ها و جمله ها و روابط معنایی آن ها بررسی می شود. در معنا - ۳ شناسی از یک طرف معنای تکواژها، واژه ها و جمله ها و .. توصیف می گردد. از طرف دیگر، حوزه ی معنایی کلمات تعیین می شود

کتاب و مدرسه: تضمین ( شمول معنایی ) ؛ کتاب از لوازم مدرسه است - ۴  
( ورزش و فوتبال: تضمین ( شمول معنایی ) ؛ ورزش شامل فوتبال نیز هست. ( فوتبال، نوعی ورزش نیز است  
هست و نیست: تضاد ؛ دو کلمه ی متضاد هستند  
مترادف ؛ هم معنا هستند: خانه و منزل

۵-

قسمت اول:

قید نوع

از بینوایی ← نشانه دار، متمم قیدی

در فصل زمستان ← نشانه دار، متمم قیدی

یکتا ← بدون نشانه، مشترک با صفت

در این حین ← نشانه دار، متمم قیدی

از کوهستان ← نشانه دار، متمم قیدی

قسمت دوم:

قید

اینک ← بدون نشانه ، مختص  
در جوی ← نشانه دار ، متمم قیدی  
از غایب احتیاج سرما ← نشانه دار ، متمم قیدی در آب ← نشانه دار ، متمم قیدی

۶-

. مسلمان علیه برادر دینی خود سخن نمی گوید ، رفتار او همواره له عدالت و راستی است

. ای برادر ! به نیکی ها قدم بردار و علیه ظلم قیام کن

**نامه نگاری (۲) (صفحه ۱۰۳) ( خود آزمایی درس بیست و پنجم**

. تکلیف دانش آموزان است - ۱

برای پاسخ به این سؤال ، هم می توانید نامه های معمولی افراد را بخوانید و هم از نمونه نامه هایی که در منابع زیر ، ۲- آمده است ، بهره بگیرید

منشآت قائم مقام فراهانی \* نامه های کمال الملک \* نامه های نیما یوشیج \*

عبارت است از کوچک ترین و احد صوتی زبان که سبب تمایز معنایی می شود . واج جنبه ی ملفوظ و گفتاری : **واج - ۳** . زبان است

کوچک ترین واحد نوشتاری زبان است که شکل مکتوب دارد ؛ بنابراین ، حرف ، گونه ی نوشتاری واج یا صداست : **حرف** . ، به بیان دیگر ، حرف به اعتبار خط است ، و جنبه ی نوشتاری دارد ولی واج به اعتبار زبان و صوت آن است

در زبان نوشتاری فارسی به شکل های زیر نوشته می شود / z / یک واج الزاما معادل یک حرف نیست ؛ مثلا واج : **نکته** ز / ذ / ض / ظ ← / z / یعنی نماینده ی چند حرف است : واج

گاهی یک حرف ، برای نشان دادن چند واج به کار می رود ؛ مثل حرف (( و )) که به عنوان صامت ، مثلا در در **نکته** . (( واحد )) کاربرد دارد و هم به شکل مصوت بلند ، مثلا در واژه ی (( موزه )) واژه ی

**درس بیست و ششم (گروه کلمه چیست ؟) ( خود آزمایی ندارد**

**نقش نما ( صفحه ۱۳۸ ) ( خود آزمایی درس بیست و هفتم**

۱-

اگر ← پیوند وابسته ساز : **عبارت اول**

که ← پیوند وابسته ساز/ یا ← پیوند هم پایه ساز / اگر ← پیوند وابسته ساز : **عبارت دوم**

اما ← پیوند هم پایه ساز/ در صورتی که ← پیوند وابسته ساز / و ← پیوند هم پایه ساز : **عبارت سوم**

با آن که ← پیوند وابسته ساز / و ← پیوند هم پایه ساز : **عبارت چهارم**

۲-

. اولین روزی که به (برای) دیدن دوستم رفتم ، او را در مزرعه سرگرم کار دیدم .  
فردوسی سی سال از عمر گران بهای خود را صرف سرودن شاهنامه کرد .  
علامه دهخدا امثال و حکم فارسی را در چهار جلد نوشت .  
. نهاد ، کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره ی آن خبر می دهیم

ای **ایران** ، همیشه آزاد و آباد باش . ایران = منادا-۳  
مضاف الیه =مردم **ایران**، زبان فارسی را پاس می دارند . ایران  
پس از پایان تحصیلات به **ایران** باز می گردد . ایران = متمم  
**ایران** را دوست دارم . ایران= مفعول  
فردوسی = منادا . ! **ای فردوسی** ، چه حماسه ی زیبایی آفریدی  
شاهنامه ی **فردوسی** اثر ماندگار ادب پارسی است . فردوسی = مضاف الیه  
ایستادگی را باید از **فردوسی** آموخت . فردوسی = متمم  
مفعول = جوانان ما باید **فردوسی** را خوب بشناسند . فردوسی  
ای **ادبیات** ، تو آینه ی تمام نمای فرهنگ ما هستی . ادبیات= منادا  
آثار **ادبیات** معاصر قابل توجه است . ادبیات = مضاف الیه  
به **ادبیات** کشور خود بی اعتنا مباش . ادبیات = متمم  
**ادبیات** را بیانگر فرهنگ و آداب و رسوم یک کشور می دانند . ادبیات = مفعول

۴-

**: نمونه ی یک آغاز**

در زندگی بسیاری از چیزها را به راحتی می توان از خاطر خود پاک کرد ، اما اثری که هرگز از قلب و ذهن آدمی ،  
زدودنی نیست ، مهر دوست است و یاد و خاطره ی او . تو نیز نقشی هستی که برایم همواره زنده می مانی ، اینک که  
(.....برایت می نویسم ، گویی مقابل دیدگانم نشسته ای

**: نمونه ی یک پایان**

اما چه کنم که مجال محدود و کوتاه . از چیزهایی که به پایان بردنش ، دشوار است ، کلام دوستانه و با دوست گفتن است  
نامه ، چاره ای جز خداحافظی برایم نمی گذارد ، به امید دیداری دوباره

**خلاصه نویسی ( صفحه ۸ ۱۴ ) خود آزمایی درس بیست و هشتم**

مشورت با خردمندان در واقع شریک شدن در عقل و اندیشه ی آن ها ست . / هر که در کارهای بزرگ با : **عبارت اول - ۱**  
خردمندان مشورت کند درواقع شریک عقل آن ها می شود  
زیاد خواندن ، نشان دانشمندی نیست ، بلکه راه و روش صحیح دانستن مهم است . یا دانشمند واقعی کسی نیست : **عبارت دوم**  
که زیاد کتاب خوانده و از همه بیشتر معلومات داشته باشد بلکه کسی است که در تحصیل علم و ادب با شیوه ای درست قدم

. بردارد و آن را صحیح به کار ببرد  
. خرد سبب هدایت انسان می شود و جاهلان خود را از این نعمت بی بهره ساخته اند : عبارت سوم

: تکلیف شب دانش آموز است ، که می توانند از منابع زیر کمک بگیرند - ۲

قصه های خوب برای بچه های خوب \* ( هفت پیکر نظامی \* داستان های دل انگیز ادبیات فارسی ؛ زهرا کیا ( خانلری \*  
( ؛ مهدی آذر یزدی ( داستان خیر و شر

.